

Research Paper

An Investigation in to the Relationship between Self-esteem and Critical Thinking with the Mediating Role of Primary Teachers Information Literacy

Aliye Borjali¹, Mohammad Sadegh Hosseini^{2*}, Tafazzoli Ramin³

1. Master's Degree, Educational Management, Islamic Azad University, Bandar Jask Branch, Bandar Jask, Iran

*2. Assistant Professor, PhD, Educational Management, Islamic Azad University, Bandar Jask Branch, Bandar Jask, Iran

3. Instructor, PhD, Educational Management, Islamic Azad University, Bandar Jask Branch, Bandar Jask, Iran

Received: 30/09/2024

Accepted: 03/11/2024

PP:58-70

Keywords:

Self-esteem, Critical Thinking, information literacy, elementary school teachers, Structural Equation Model

Abstract

Introduction: Critical thinking is one of the key skills in the teaching-learning process, which is influenced by self-esteem and information literacy, contributing to the improvement of educational quality. This study aims to examine the relationship between self-esteem and critical thinking, considering the mediating role of information literacy among primary school teachers in Jask.

Methodology: This research is applied in nature and, given the topic, is a descriptive-correlational study. The statistical population consisted of all primary school teachers in Jask (N = 317). Based on Morgan's table and stratified random sampling, 175 teachers were selected as the sample. Data were collected using three questionnaires: Rosenberg's Self-Esteem Scale (1989), Ricketts' Critical Thinking Questionnaire (2003), and Siamak & Davarpanah's Information Literacy Questionnaire (2009). The validity of the questionnaires was confirmed by experts, and their reliability was calculated using Cronbach's alpha coefficient: 0.764 for self-esteem, 0.882 for critical thinking, and 0.831 for information literacy. The results were analyzed using Pearson's correlation and structural equation modeling.

Findings: The results showed a positive and significant relationship between self-esteem and critical thinking ($r = 0.64, p < 0.01$). A positive and significant relationship was also found between self-esteem and information literacy ($r = 0.57, p < 0.01$), and between information literacy and critical thinking ($r = 0.69, p < 0.01$). Moreover, structural equation modeling revealed that information literacy plays a significant mediating role in the relationship between self-esteem and critical thinking.

Conclusion: It is often argued that every society needs individuals with high critical thinking skills to achieve growth and prosperity. To critically engage with various phenomena, these individuals must be equipped with the necessary information and knowledge beforehand, highlighting the relationship between critical thinking and information literacy. Critical thinking is best taught as a learning tool that equips teachers with essential reasoning and logical skills, preparing them for complex situations both inside and outside the classroom and providing them with the skills necessary for a better personal and professional life.

Citation: Borjali, A., Hosseini, M.S, Tafazzoli, O. (2024). An Investigation in to the Relationship between Self-esteem and Critical Thinking with the Mediating Role of Primary Teachers Information Literacy. Journal of New Thinking in Instruction and Learning, Vol 1, No, 1, pp 58-70

Corresponding author: Mohammad Sadegh Hosseini

Address: Department of Educational Management, Islamic Azad University, Bandar Jask Branch

5 **Email:** sadeghhosseini58@gmail.com

مقاله پژوهشی

رابطه بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی معلمان دوره ابتدائی

عالیه برجعلی^۱، محمدصادق حسینی^{۲*}، رامین تفضلی^۳

۱. دانشجو/کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی واحد بندرجاسک، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرجاسک، ایران.

۲. استادیار/دکتری، مدیریت آموزشی واحد بندرجاسک، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرجاسک، ایران.

۳. مربی/دکتری، مدیریت آموزشی واحد بندرجاسک، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرجاسک، ایران.

چکیده

مقدمه و هدف: تفکر انتقادی یکی از مهارت‌های کلیدی در فرآیند یاددهی یادگیری است که عزت نفس و سواد اطلاعاتی با تأثیر بر آن به بهبود کیفیت آموزش کمک می‌کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی در بین معلمان ابتدایی شهرستان جاسک انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش: تحقیق حاضر از نظر نوع کاربردی و با در نظر گرفتن موضوع تحقیق توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی جاسک به تعداد ۳۱۷ نفر بود. با استفاده از جدول مورگان و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای تعداد ۱۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شد. جهت جمع‌آوری اطلاعات از سه پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۸۹)، پرسشنامه تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳) و پرسشنامه سواد اطلاعاتی کارکنان سیامک و داورپناه (۱۳۸۸) استفاده شد. روایی پرسشنامه‌ها توسط متخصصان تأیید شد و پایایی آنها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای عزت نفس ۰/۷۶۴، تفکر انتقادی ۰/۸۸۲ و سواد اطلاعاتی ۰/۸۳۱ محاسبه شد. نتایج با استفاده از روش همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین عزت نفس و تفکر انتقادی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($F=۰/۶۴$ ، $P<۰/۰۱$). همچنین، رابطه مثبت و معناداری بین عزت نفس و سواد اطلاعاتی ($F=۰/۵۷$ ، $P<۰/۰۱$) و بین سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی ($F=۰/۶۹$ ، $P<۰/۰۱$) مشاهده شد. علاوه بر این، نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که سواد اطلاعاتی نقش میانجی مؤثری در رابطه بین عزت نفس و تفکر انتقادی ایفا می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان گفت که هر جامعه‌ای جهت دستیابی به رشد و شکوفایی به اشخاصی نیازمند است که دارای تفکر انتقادی بالایی باشند. این اشخاص برای اینکه بتوانند با پدیده‌های مختلف برخورد منتقدانه کنند باید از اطلاعات و دانش لازم برخوردار باشند، در نتیجه ارتباط بین تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی در این خصوص نمایان می‌شود. تفکر انتقادی به عنوان یک ابزار یادگیری، معلمان را با هنر استدلال و منطق آشنا ساخته و آمادگی آن‌ها را برای موقعیت‌های پویای داخل و خارج از کلاس‌ها افزایش داده، شایستگی‌های لازم برای بهتر زیستن و همچنین بهتر درک کردن و تدریس کردن را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

شماره صفحات: ۷۰-۵۸

واژه‌های کلیدی:

عزت نفس، تفکر انتقادی، سواد اطلاعاتی، معلمان مقطع ابتدایی، معادلات ساختاری

استناد: برجعلی، عالیه، حسینی، محمدصادق و تفضلی، رامین. (۱۴۰۳). رابطه بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی معلمان دوره ابتدائی، فصلنامه نواندیشی در آموزش و یادگیری، فصلنامه نواندیشی در آموزش و یادگیری، دوره اول. شماره اول، شماره صفحات ۵۸-۷۰

* نویسنده مسئول: محمد صادق حسینی

نشانی: گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جاسک

پست الکترونیکی: sadeghoseini58@gmail.com

مقدمه

مهارت‌هایی که به‌عنوان مهارت‌های قرن بیست و یکم نامیده می‌شوند را می‌توان در سه دسته مهارت‌های زندگی و شغلی، مهارت‌های یادگیری و نوآوری و مهارت‌های اطلاعاتی، رسانه‌ای و فناوری ارائه داد (Fraillon et al., 2020). تفکر انتقادی یکی از مهارت‌های یادگیری و نوآوری شناخته می‌شود و یکی از شایستگی‌هایی است که برای موفقیت تحصیلی و شغلی ضروری است و اعتقاد بر این است که نقش اصلی در تفکر منطقی، تصمیم‌گیری و حل مسئله دارد (Li & Heydarnejad, 2024). تفکر انتقادی به این شکل تعریف می‌گردد: روند پویا و ماهرانه در تجسم، به‌کارگیری، تحلیل، ترکیب و سنجش اطلاعات برای دستیابی به یک پاسخ و یا یک نتیجه‌گیری را تفکر انتقادی می‌نامند (Barkhordari et al., 2009). تفکر انتقادی به‌عنوان یک توانایی بقا تعریف می‌شود که به تسهیل مسیر زندگی افراد کمک می‌کند. تفکر انتقادی یک نوع تفکر عمومی است. این بدین معنا است که در هر حوزه‌ای که فعالیت می‌کنید یا در هر مسیری که قرار دارید تفکر انتقادی می‌تواند برای شما مؤثر واقع شده و سرعت موفقیتتان را بیشتر کند. اهمیت اقتصادی دارد: آینده ما وابسته به تکنولوژی، نوآوری و اطلاعات است. تفکر انتقادی به ما کمک می‌کند تا سرعت پیشرفت اقتصاد را افزایش داده و مشکلاتمان را تا حد امکان سریع و مؤثر حل کنیم. مهارت‌های زبانی و کلامی ما را افزایش می‌دهد. به افزایش خلاقیت ما کمک می‌کند. به ما کمک می‌کند از خودمان بازخورد دریافت کنیم (Hashemian Nejad, 2011).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند با تفکر انتقادی ارتباط داشته باشد عزت نفس است. عزت نفس را می‌توان مجموعه‌ای از افکار، احساسات، عواطف و تجربه‌ها تصور کرد که در فرایند زندگی اجتماعی شکل می‌گیرند. مجموعه هزاران برداشت، ارزیابی و تجربه‌ای که فرد از خود دارد، باعث می‌شود که نسبت به خود احساس خوشایند، ارزشمند بودن یا برعکس آن را داشته باشد (Namaziandost et al., 2023). از دیدگاه Thomaes et al. (2011) عزت نفس یک ارزیابی کلی شخص از اهمیت و ارزش خودش به‌عنوان یک انسان تعریف می‌شود. بر پایه این تعریف، می‌توان این‌گونه گفت که عزت نفس دارای دو عنصر و ویژگی مهم است، اول نوعی ارزیابی بوده و دوم این ارزیابی، می‌تواند به سه صورت مثبت، منفی و یا مابین آن در نظر گرفته شود. برخی از ویژگی‌های عزت نفس عبارت‌اند از: باور به ظرفیت خود برای حل مشکلات، اعتماد به قضاوت‌های خود، تصمیم‌گیری و انتخاب‌ها و خود ارزشمند دانستن (Demirdag, 2019). (Kafka et al., 2012) دریافتند که سطح پایین عزت نفس یک فرد ممکن است پیامدهای منفی را در زندگی آن‌ها افزایش دهد.

دیگر متغیر مورد بررسی در این پژوهش، سواد اطلاعاتی می‌باشد. عبارت سواد اطلاعاتی برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ درباره استفاده از کتابخانه مطرح شد. بروس سواد اطلاعاتی را به‌عنوان مجموعه مهارت‌هایی توصیف کرده است که یاری کننده افراد در یافتن اطلاعات مورد نیاز هستند و به فراگیری تمام عمر افراد کمک می‌کند. یادگیری تمام عمر، تفکر انتقادی، توانایی حل مسئله و تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات در شرایط گوناگون، خود راهبری، همکاری، مشارکت، نوآوری و بالاخره یادگیری نحوه یادگرفتن از جمله کارکردهای عمده سواد اطلاعاتی محسوب می‌شود (Keshavarz, ۲۰۲۱). سواد اطلاعاتی همه شکل‌های سواد از جمله سواد سنتی (توانایی خواندن و نوشتن)، سواد رسانه‌ای (توانایی ارزیابی انتقادی و تولید رسانه‌هایی مثل تلویزیون، آگهی، اخبار و غیره) و سواد عددی (توانایی درک و حل مسئله با استفاده از داده‌ها و اعداد) را شامل می‌شود. این سه وجه از سواد اگر در فرآیندی پویا و خلاق که از طریق پرسشگری آغاز می‌شود به کار گرفته شود ابزار یادگیری مادام‌العمر خواهد بود (Abdolmaleki & Asadi, 2023). در واقع برنامه‌های سواد اطلاعاتی به‌عنوان ابزاری بالقوه فراگیران را به شیوه یادگیری مبتنی بر منابع هدایت می‌کند، نقش یادگیرنده و یاد دهنده را تغییر می‌دهد به‌طوری‌که درگیر یادگیری خود هدایتی شوند، با گسترش مهارت‌های تفکر انتقادی آن‌ها را در حل مسائل و مشکلات، تصمیم‌گیری‌ها و موضوعات مناسب برای یادگیری فعال یاری می‌کند و آن‌ها یادگیرندگان مادام‌العمر می‌شوند (Jafarian & Saedipour, 2013).

ضرورت بهره‌مندی از این توانمندی‌ها، برای معلمان که قرار است نقش‌هایی مانند مدیر، مدرس و پژوهشگر در جامعه ایفای نقش کنند جایگاه ویژه‌ای دارد. باوجود اهمیت و نیازی که به داشتن این مهارت‌ها برای معلمان لازم و ضروری است، اما شواهد زیادی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها فاقد این مهارت‌ها هستند و به‌رغم داشتن ابزارهای قوی در دسترسی به منابع اطلاعاتی، سواد اطلاعات کمی دارند، به عبارتی آن‌ها به‌سرعت فناوری را می‌پذیرند، اما فاقد مهارت‌های لازم برای تبدیل به مصرف‌کنندگان اصلی و تولیدکنندگان اطلاعات هستند. علاوه بر آن مدارس و مراکز آموزشی کشور هر ساله مبالغ سنگینی صرف خرید و اشتراک منابع الکترونیکی از جمله بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی، نشریات الکترونیکی، راه‌اندازی کتابخانه‌های دیجیتالی می‌کنند، درحالی‌که اغلب به سبب فقدان توانمندی و مهارت پرسنل مدارس در استفاده از این منابع، از یکسو، از هزینه‌های مصروف نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود و از سوی دیگر باعث به وجود آمدن مشکلات فراوان برای پرسنل مدارس می‌شود که اعتماد به نفس پایین برای عمل و پیشرفت در محیط فناورانه از جمله آن‌هاست.

اهمیت موضوع به این دلیل است که مطالعات نشان داده اند که معلمان با عزت نفس بالا، توانایی بیشتری در مدیریت کلاس و ایجاد ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان دارند. همچنین، این معلمان به طور کلی در مقابل استرس‌های شغلی مقاومت بیشتری دارند و بهبود رضایت شغلی

آنها می‌تواند تاثیر مستقیم بر روی بهبود عملکردشان داشته باشد (Hassanpour & Salehi, ۲۰۱۶). عصر اطلاعات با توسعه سریع فناوری اطلاعات و افزایش نیاز افراد به توسعه مهارت‌های مورد نیاز برای دستیابی به اطلاعات ضروری در موقعیت‌های تحصیلی و شغلی و شخصی همراه است. در چنین وضعیتی داشتن سواد اطلاعاتی اهمیت بسیار می‌یابد. سواد اطلاعاتی وسیله‌ای برای توانمندسازی فردی است. به طوری که افراد بتوانند اطلاعات ضروری را تشخیص دهند، به تجزیه و تحلیل اطلاعات اقدام کنند، محتوای اطلاعات را با دیدی انتقادی ارزیابی کنند و با ادغام اطلاعات جدید و قدیم دانش نو بسازند. اولین گام در جهت پویایی نظام آموزشی و ایجاد فضایی پژوهشی در دانشگاه‌ها و محافل علمی کشور این است که فرد فارغ التحصیل از دانشگاه باید تفکر انتقادی داشته باشد و توانایی و اعتماد به نفس لازم در دستیابی به اطلاعات و منابع مورد نیاز خود را کسب کرده باشد و با ابزارهای سنتی و الکترونیکی بازیابی اطلاعات آشنایی کافی داشته باشد و به طور کلی از سواد و دانش روزآمد و مناسب برای استفاده از کتابخانه‌های الکترونیکی و بانک‌های اطلاعاتی، رایانه و شبکه جهانی بهره‌مند باشد و به پیشرفت شغلی مورد نیاز و متناسب با محیط امروزی دست یابد (Riswanto, ۲۰۲۱). با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان به اهمیت و ضرورت موضوع پی برد.

با توجه به موارد گفته شده می‌توان گفت هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال اصلی است که: بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک چه رابطه‌ای وجود دارد؟
فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر است:

- بین عزت نفس و تفکر انتقادی در بین معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد.
- بین عزت نفس و سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد.
- بین سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی در بین معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد.
- سواد اطلاعاتی بین عزت نفس و تفکر انتقادی معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک نقش میانجی را ایفا می‌کند.

پژوهش‌های داخلی مختلفی در این حوزه انجام شده که از میان آنها میتوان به پژوهش:
(Ashrafian et al., ۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «تحلیل ساختاری رفتار اطلاع‌یابی در نقش میانجی بین سواد اطلاعاتی و خودکارآمدی معلمان» پرداختند یافته‌های به دست آمده نشان داد سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی سبب بهبود رفتار اطلاع‌یابی و خودکارآمدی شغلی معلمان می‌گردد، رفتار اطلاع‌یابی رابطه مثبت و معناداری با خودکارآمدی شغلی دارد، همچنین رفتار اطلاع‌یابی نقش میانجی بین سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با خودکارآمدی شغلی را ایفا می‌کند.

(Hajian, 2023) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین تفکر انتقادی با یادگیری خودگردان و عزت نفس دانش آموزان دختر پایه یازدهم و دوازدهم ناحیه دو زاهدان» پرداختند. نتایج نشان داد که بین تفکر انتقادی با یادگیری خودگردان و عزت نفس دانش آموزان دختر پایه یازدهم و دوازدهم ناحیه دو زاهدان رابطه معنی‌داری در سطح خطای ۰/۰۱ وجود دارد.

(Zolnouri & Heidari, 2023) در پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزش فلسفه به دانش آموزان بر تفکر انتقادی، گرایش به خلاقیت و عزت نفس آنان» پرداختند. نتایج نشان داد آموزش فلسفه به دانش آموزان در مرحله پس از آزمون و پیگیری نسبت به گروه کنترل اثربخشی معناداری بر افزایش تفکر انتقادی، گرایش به خلاقیت و عزت نفس داشته است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، می‌توان گفت که آموزش فلسفه به دانش آموزان می‌تواند به عنوان یک شیوه آموزشی مناسب برای افزایش تفکر انتقادی، گرایش به خلاقیت و عزت نفس در مدارس ابتدایی به کار برده شود.

(Mohammadi et al. ۲۰۲۰) در پژوهشی به طراحی و آزمون مدل رابطه علی سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی با میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز، پرداختند. یافته‌ها نشان داد که سواد اطلاعاتی اثر مستقیم و مثبت بر خودکارآمدی تحصیلی و همچنین تفکر انتقادی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز دارد. همچنین، در خصوص فرضیه‌های غیرمستقیم، یافته‌ها نشان داد که سواد اطلاعاتی از طریق خودکارآمدی تحصیلی اثر غیرمستقیم مثبت بر تفکر انتقادی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز دارد.
همچنین پژوهش‌های خارجی مختلفی در این حوزه عبارتند از:

(Li & Heydarnejad, ۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «رابطه سلامت روان و عزت نفس با تفکر انتقادی دانشجویان» پرداختند. هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سلامت روان و عزت نفس با تفکر انتقادی دانشجویان است. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه سلامت

روان، تفکر انتقادی و عزت نفس جمع آوری و مورد تجزیه تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین سلامت روان اختلال اضطراب و تفکر انتقادی همبستگی منفی به میزان $(r = -.074)$ ، بین سلامت روان اجتماعی و تفکر انتقادی همبستگی منفی به میزان $(r = .074)$ ، و بین سلامت روان افسردگی و تفکر انتقادی همبستگی منفی به میزان $(r = .081)$ ، وجود دارد که از نظر آماری معنی دار است $(p < .01)$. بین عزت نفس فردی و تفکر انتقادی همبستگی مثبت به میزان $(r = .083)$ ، بین عزت نفس اجتماعی و تفکر انتقادی همبستگی مثبت به میزان $(r = .071)$ ، بین عزت نفس تحصیلی و تفکر انتقادی همبستگی مثبت به میزان $(r = .079)$ و بین عزت نفس خانوادگی و تفکر انتقادی همبستگی مثبت به میزان $(r = .073)$ وجود دارد که از نظر آماری معنی دار است $(p < .01)$.

(Parsakia, ۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «ارتباط گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس در دانشجویان پرستاری» پرداختند. نتایج نشان داد که اکثریت دانشجویان $(81/8\%)$ دارای گرایش به تفکر انتقادی متزلزل بودند و عزت نفس آنان $(73/5\%)$ در حد متوسط بود. بین گرایش به تفکر انتقادی و عزت نفس، ارتباط معنی داری وجود داشت. دانشجویان با عزت نفس بالاتر از گرایش به تفکر انتقادی مطلوب تری برخوردار و ارتباط مستقیم و مثبتی بین این دو ویژگی وجود داشت. لازم است اعضای هیات علمی، عزت نفس کافی برای انجام قضاوت و تصمیم گیری در شرایط مختلف بالینی را در دانشجویان پرستاری ایجاد نمایند.

(Naveed & Shah, 2023) در پژوهشی با عنوان «بررسی نیمرخ سواد اطلاعاتی، تفکر انتقادی و عزت نفس تحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی از لحاظ پیشرفت تحصیلی» پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیرهای سواد اطلاعاتی، عزت نفس تحصیلی و پیشرفت تحصیلی همبستگی معناداری وجود دارد، ولی بین سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی رابطه معناداری وجود ندارد؛ همچنین نیمرخ دانشجویان از لحاظ متغیرهای مورد بررسی در دو خوشه سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی مشخص شد و بین دو خوشه مذکور تفاوت معناداری پیدا نشد.

(Croucher et al., ۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر تعهد شغلی و سواد اطلاعاتی مدیران آموزشی به روش تحلیل سلسله مراتبی» پرداختند. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا یک پژوهش آمیخته اکتشافی بود که به دو روش کمی و کیفی انجام شد. نمونه آماری در بخش کیفی شامل خبرگان و اساتید دانشگاهی فعال در حوزه مدیریت آموزشی و برنامه ریزی آموزشی بود که محقق بر اساس معیارهای ورود (مدرک تحصیلی دکترا و سابقه بیش از ده سال) و براساس شیوه نمونه گیری در دسترس تعداد ۱۵ نفر به منظور شناسایی عوامل موثر و تهیه پرسشنامه تهیه شد. نمونه آماری در بخش کمی شامل مدیران آموزشی (مدیران مدارس، دانشگاه ها و مؤسسات غیرانتفاعی) بود که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای تعداد ۱۰۰ نفر از آنها به منظور تکمیل پرسشنامه ها انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها در بخش کیفی شامل مطالعات، پیشینه پژوهش و مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و در بخش کمی از یک پرسشنامه محقق ساخته که برگرفته شده از بخش کیفی بود، استفاده شد. در مجموع برای متغیر تعهد شغلی ۶ معیار و ۲۴ مولفه شناسایی شد که بر اساس تحلیل سلسله مراتبی به ترتیب سه شاخص حمایت سازمانی، فرهنگ سازمانی و عوامل شغلی در رتبه های اول تا سوم جا گرفتند. همچنین برای متغیر سواد اطلاعاتی نیز ۶ معیار و ۱۸ مولفه شناسایی شد که بر اساس تحلیل سلسله مراتبی به ترتیب سه شاخص محیط اطلاعاتی، ویژگی های سازمانی و ویژگی های شخصیتی به عنوان رتبه های اول تا سوم بر اساس اهمیت رتبه بندی شدند.

(Goodsett & Schmillen, ۲۰۲۲) پژوهشی با عنوان «پرورش تفکر انتقادی در دانش آموزان سال اول از طریق آموزش سواد اطلاعاتی» انجام دادند. از آنجایی که دانش آموزان با حجم بالایی از اطلاعات نادرست در محیط های آنلاین مواجه می شوند، پرورش تفکر انتقادی یکی از اهداف مهم آموزش سواد اطلاعاتی است، به ویژه برای دانش آموزان سال اول کالج، که تازه شروع به ایجاد عادات شناختی در سال های اولیه تحصیلات پس از دبیرستان کرده اند. با این حال، این مطالعه نشان می دهد که رابطه بین تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی آشکار نیست و اخیراً در مورد اینکه چگونه کتابداران دانشگاهی تفکر انتقادی را در آموزش کتابخانه های خود می گنجانند، مطالعه نسبتاً کمی انجام شده است. از طریق مجموعه ای از مصاحبه های عمیق، محققان به دنبال درک این موضوع بودند که چگونه کتابداران دانشگاهی که عمدتاً به دانشجویان سال اول آموزش می دهند، مهارت های تفکر انتقادی را در رابطه با سواد اطلاعاتی درک، آموزش و ارزیابی می کنند. براساس نتایج این مصاحبه ها، تفکر انتقادی از طریق آموزش سواد اطلاعاتی، بهتر و بیشتر می شود.

(Jones-Jang et al., ۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «نقش ابعاد سواد اطلاعاتی معلمان در عملکرد شغلی آنان» پرداختند. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل معادلات ساختاری ابعاد سواد اطلاعاتی معلمان دارای اثر مثبت و معنادار بر عملکرد شغلی معلمان در سطح $0/05$ هستند، دامنه اثر ابعاد سواد اطلاعاتی از $0/32$ تا $0/54$ که بیشترین اثر مربوط به بعد کاربرد اطلاعات و کمترین اثر مربوط به بعد ادراک اطلاعات است. ابعاد چهارگانه سواد اطلاعاتی معلمان قادر به تبیین 40% درصد واریانس عملکرد شغلی معلمان هستند که این مقدار دارای تی $(3/56)$ است که بیانگر معنادار بودن واریانس تبیین شده عملکرد شغلی معلمان توسط ابعاد سواد اطلاعاتی معلمان است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۱۷ نفر معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک بود که از این تعداد ۱۵۹ نفر مرد و ۱۵۸ نفر زن بوده که درصد مردان جامعه ۵۱٪ و درصد زنان ۴۹٪ است. نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان ۱۷۵ نفر به دست آمد. در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد که بر اساس درصد جامعه تعداد نمونه مرد ۸۹ و تعداد نمونه زن ۸۶ نفر بود. به منظور گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد تفکر انتقادی ریکتس (۲۰۰۳)، پرسشنامه عزت‌نفس (RSEs) روزنبرگ (۱۹۸۹)، پرسشنامه سواد اطلاعاتی کارکنان سیامک و داور پناه (۱۳۸۸) استفاده گردید. روایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روایی صوری صورت گرفت که توسط متخصصان تایید شد. جهت پایایی پرسشنامه‌ها نیز در این پژوهش از آلفای کرونباخ استفاده شد که در ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه توزیع شد سپس آلفای کرونباخ آنها به ترتیب برای متغیرهای عزت‌نفس، تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی، ۰/۷۴۶، ۰/۸۸۲ و ۰/۸۳۱ بدست آمد.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات و اسناد مورد نیاز نیز از روش‌های مختلفی مانند تحقیق و بررسی مقالات از اینترنت، ژورنال‌های مختلف، کتب و پایان‌نامه‌ها استفاده گردید. بعد از تهیه پرسشنامه و جمع‌آوری پاسخ‌های آزمودنی، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از روش‌های آماری توصیفی از قبیل فراوانی، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار و نیز روش‌های آمار استنباطی مثل همبستگی پیرسون، رگرسیون و مدل معادلات ساختاری استفاده شد. فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها و انجام آزمون‌های آماری توسط نرم افزارهای amos, spss نسخه ۲۳ انجام شد.

یافته‌ها

نتایج نشان داد ۵۰/۹ درصد از پاسخگویان به سؤالات پرسشنامه را مردان و ۴۹/۱ درصد را زنان تشکیل دادند. ۴ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۹ سال داشته، ۲۸/۶ درصد بین ۳۰ الی ۳۹ سال، ۴۲/۹ درصد بین ۴۰ تا ۴۹ سال که دارای بیشترین فراوانی بودند، ۲۲/۳ درصد بین ۵۰ تا ۵۹ سال و در نهایت ۲/۳ درصد نیز بیشتر از ۶۰ سال سن داشتند. نتایج نشان می‌دهد که ۶/۳ درصد از پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی فوق‌دیپلم بوده، ۵۸/۹ درصد که دارای بیشترین فراوانی اند دارای مدرک لیسانس، ۲۳/۴ درصد دانشجوی فوق‌لیسانس، ۶/۹ درصد فوق‌لیسانس، ۳/۴ درصد دانشجوی دکتری و در نهایت ۱/۱ دارای مدرک دکتری هستند. سابقه‌ی خدمت معلمان نشان می‌دهد که اکثریت معلمان دارای سابقه کاری بین ۱۶ تا ۲۰ سال هستند (۲۸/۶ درصد). ۷/۴ درصد زیر ۵ سال، ۱۰/۳ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۱/۷ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۹/۴ درصد بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۱۲/۶ درصد بین ۲۶ تا ۳۰ سال سابقه خدمت دارند.

جدول ۱: آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

تعداد	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار	
۱۷۵	۵۵	۱۵۰	۹۸/۸۴۰۰	۲۰/۰۲۳۱۹	تفکر انتقادی
۱۷۵	۱۹	۳۳	۲۷/۸۹۱۴	۲/۹۴۶۷۹	عزت‌نفس
۱۷۵	۱۷	۶۶	۴۲/۴۳۴۳	۱۰/۴۱۵۷۸	سواد اطلاعاتی

نتایج جدول (۱) توصیف متغیرهای پژوهش می‌باشد. بر این اساس کمترین میزان تفکر انتقادی در معلمان ۵۵ و بیشترین میزان آن ۱۵۰ به‌دست آمده است. میانگین به‌دست آمده ۹۸/۸۴۰۰ و انحراف معیار آن ۲۰/۰۲۳۱۹ می‌باشد. میانگین به‌دست آمده بین ۳۴ تا ۹۹ بوده، در نتیجه می‌توان گفت میزان تفکر انتقادی معلمان در حد متوسطی می‌باشد. میانگین به‌دست آمده برای عزت‌نفس معلمان ۲۷/۸۹۱۴ و انحراف معیار آن نیز ۲/۹۴۶۷۹ به‌دست آمده است، بر این اساس میزان اعتماد به‌نفس معلمان در حد متوسطی می‌باشد. همچنین میانگین به‌دست آمده برای متغیر سواد اطلاعاتی ۴۲/۴۳۴۳ و انحراف معیار آن ۱۰/۴۱۵۷۸ بوده است، با توجه به اینکه این میزان بین ۱۵ تا ۴۵ می‌باشد در نتیجه می‌توان

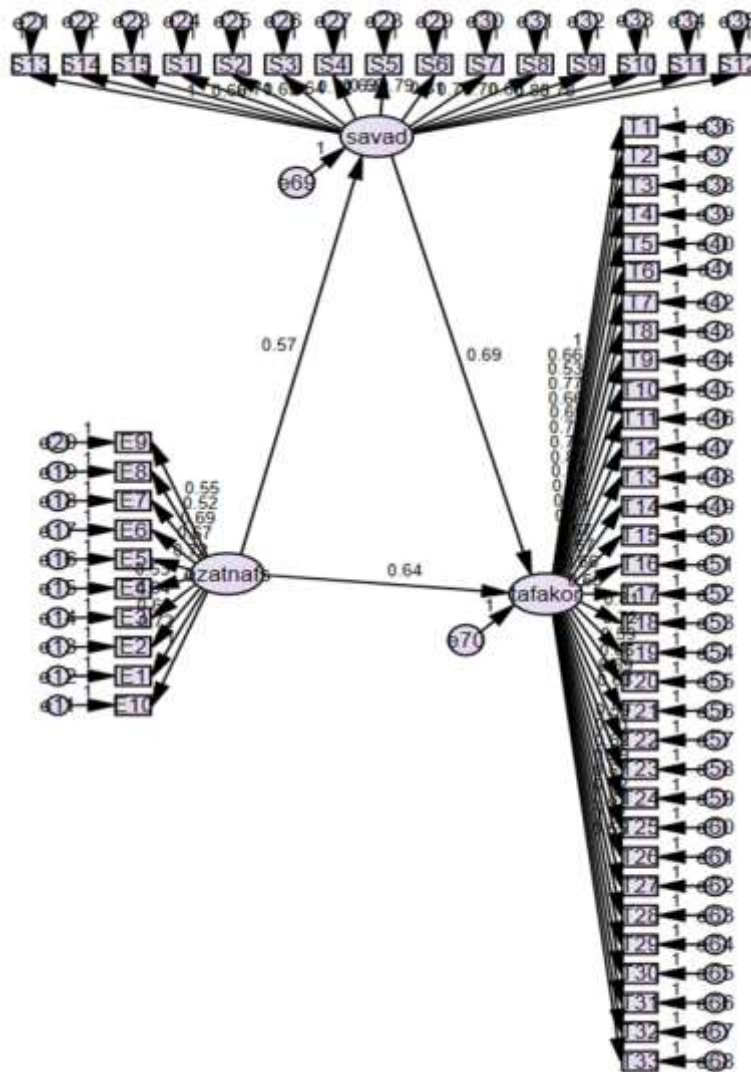
گفت سواد اطلاعاتی معلمان در سطح پایینی است. از آنجاکه پایه و اساس مطالعات تحلیل مسیر همبستگی بین متغیرها می باشد، در ادامه ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

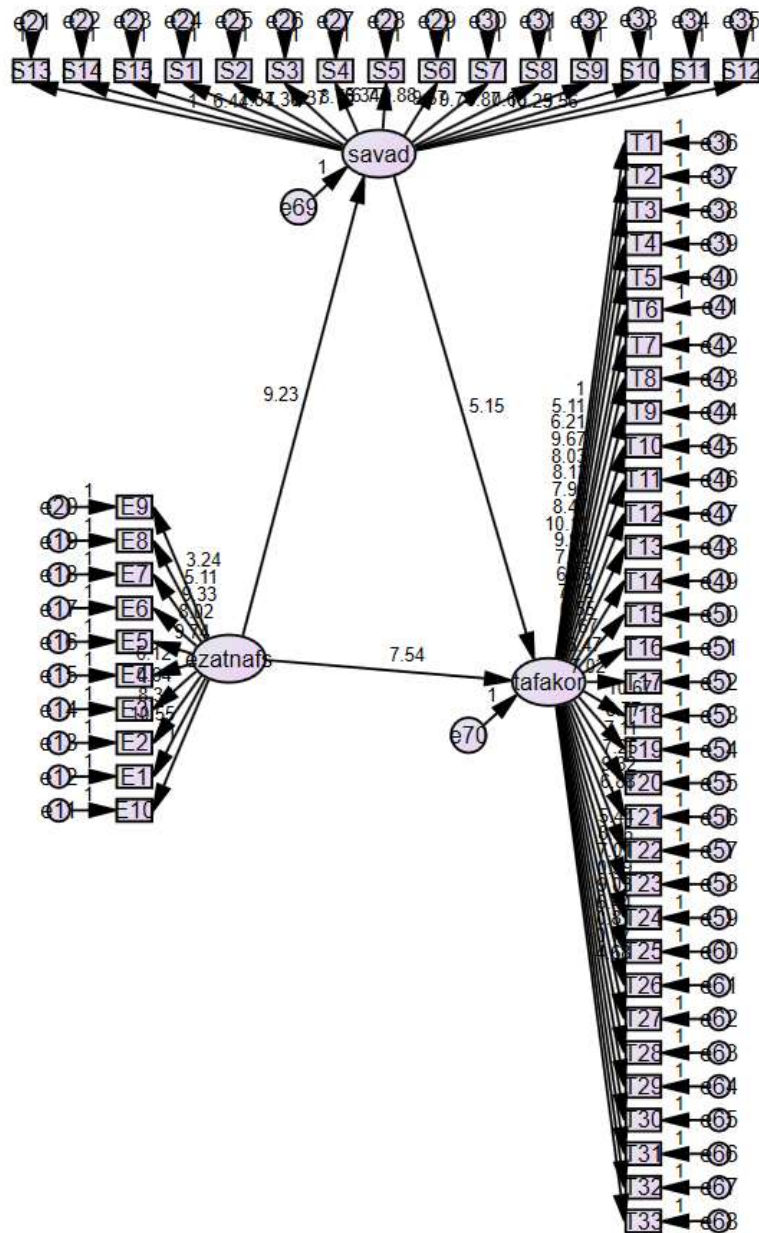
سواد اطلاعاتی	عزت نفس	تفکر انتقادی
		۱
	۱	۰/۲۳۸**
۱	۰/۱۶۹*	۰/۵۶۱**

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

با توجه به جدول (۲) ملاحظه می شود میزان ضریب همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته به ترتیب برای متغیر عزت نفس ۰/۲۳۸ و سواد اطلاعاتی ۰/۵۶۱ می باشد که هر دو این ضرایب از نظر آماری معنی دار هستند ($P < 0.01$).



شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش در حالت استاندارد



شکل ۲: مدل ساختاری پژوهش در حالت اعداد معناداری (t)

جدول ۳: شاخص های برازش مدل

مقادیر محاسبه شده	شاخص
۱۱۴/۳۶	مجذور کای
۷۶	درجه آزادی
۰/۰۵۸	معناداری
۱/۵۰	تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی
۰/۰۴۷	ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA)
۰/۹۱	شاخص برازش استاندارد (NFI)
۰/۸۸	شاخص نرم نشده برازش (NNFI)
۰/۹۰	شاخص تطبیقی برازش (CFI)
۰/۹۲	شاخص نیکویی برازش (GFI)
۰/۹۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)

همان گونه که در جدول (۳) مشاهده می شود، تقسیم مجذور کای بر درجات آزادی کوچکتر از ۳ به دست آمده است. ریشه میانگین مجذور برآورد خطای تقریب (RMSEA) کوچکتر از ۰/۰۸ به دست آمده که حاکی از برازش نسبتاً مطلوب مدل است. در سایر شاخص ها از جمله (GFI، CFI، NFI و AGFI) نتایج بالاتر از ۰/۹۰ است که حاکی از برازش قابل قبول مدل می باشد. در ادامه، نمودار مسیر مدل ساختاری پژوهش همراه با پارامترهای برآورد شده (مقادیر استاندارد) و اعداد معناداری (t) ارائه شده است. در این بخش با توجه به اطلاعات مندرج در جدول (۵) به بررسی فرضیه های مرتبط با اثرات مستقیم متغیرها می پردازیم.

جدول ۴: برآوردهای ضرایب اثرات مستقیم و غیرمستقیم

T	خطای استاندارد برآورد	پارامتر استاندارد شده	برآوردها متغیرها
			اثر مستقیم عزت نفس بر:
۹/۲۳	۰/۰۹۱	۰/۵۷***	سواد اطلاعاتی
۷/۵۴	۰/۰۳۷	۰/۶۴***	تفکر انتقادی
			اثر مستقیم سواد اطلاعاتی بر:
۵/۱۵	۰/۰۴۳	۰/۶۹***	تفکر انتقادی
			اثر غیرمستقیم عزت نفس بر
۶/۴۵	۰/۰۶۴	۰/۵۳***	تفکر انتقادی از طریق سواد اطلاعاتی

$$* P < 0.05 \quad *** P < 0.01$$

با توجه به نتایج حاصل از جدول (۴) ملاحظه می گردد که میزان تی حاصل از مدل برابر با ۶/۴۵ بوده که این مقدار از سطح آزمون یعنی ۱/۹۶ بزرگتر بوده و لذا این نتیجه حاصل می گردد که بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد. رابطه مستقیم عزت نفس و تفکر انتقادی برابر با ۰/۶۴ و با توجه به مقدار (۷/۵۴) در سطح $t=0.01$ معنی دار است. بر این اساس می توان گفت بین عزت نفس و تفکر انتقادی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد. همچنین رابطه مستقیم عزت نفس و سواد اطلاعاتی برابر با ۰/۵۷ و با توجه به مقدار ($t=9.23$) در سطح 0.01 معنی دار است. بر این اساس می توان گفت بین عزت نفس و سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد. از سوی دیگر رابطه مستقیم سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی برابر با ۰/۶۹ و با توجه به مقدار ($t=5.15$) در سطح 0.01 معنی دار است. بر این اساس می توان گفت بین سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد که بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی رابطه معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش های (Hajian, 2023)، (Keshavarz, 2021)، (Goodsett & Schmillen, 2022)، (Ibrahim, 2023)، (Parsakia, 2023)، (Vasli et al., 2023)، (Li & Heydarnejad, 2024)، (Mohammadi et al., 2019) و (Soleimani far et al., 2018) همسو می باشد. در تبیین این یافته می توان گفت که هر جامعه ای جهت دستیابی به رشد و شکوفایی به اشخاصی نیازمند است که دارای تفکر انتقادی بالایی باشند. این اشخاص برای اینکه بتوانند با پدیده های مختلف برخورد منتقدانه کنند باید از اطلاعات و دانش لازم برخوردار باشند، در نتیجه ارتباط بین تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی در این خصوص نمایان می شود. تفکر انتقادی به عنوان یک ابزار یادگیری، معلمان را با هنر استدلال و منطق آشنا ساخته و آمادگی آن ها را برای موقعیت های پویای داخل و خارج از کلاس ها افزایش داده، شایستگی های لازم برای بهتر زیستن و همچنین بهتر درک کردن و تدریس کردن را در اختیار آنان قرار می دهد. همچنین برخی از نظریه پردازان همچون لورنس و کلبِرگ و مایرز نیز معتقدند که یکی از موانع اصلی در پرورش و داشتن تفکر انتقادی، ماهیت کاملاً شخصی فرایندهای فکری بوده که اشخاص تمایل دارند ساختارهای فکری خود را که از طریق آن ها به درک جهان می پردازند، حفظ کرده و این جنبه ی فردیت می تواند مانع پرورش تفکر گردد و از این جهت، ارزیابی مجدد ارزش ها و عقاید می تواند در تقویت تفکر انتقادی و به دنبال آن عزت نفس اثرگذار باشد. در نهایت می توان گفت که شخصی که عزت نفس ندارد به راحتی تحت تأثیر دیگران قرار گرفته، یعنی اندیشه ها و رفتارش غالباً متأثر از کسانی است که اوقاتش را با آن ها

گذرانده و تحت نفوذ شخصیت آن‌هاست، قدرت تفکر نداشته و همه چیز را بدون نقد و بررسی و استدلال می‌پذیرد. عزت نفس راهی برای روشن شدن و سنجیدن راه‌های گوناگون از طریق تفکر را فراهم می‌کند که این خود تفکر استدلالی و انتقادی است.

نتایج نشان داد که بین عزت نفس و ابعاد آن رابطه معنی‌داری با تفکر انتقادی معلمان وجود دارد؛ که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های (Hajia, 2023)، (Li & Heydarnejad, 2024)، (Vasli et al., 2023)، (Ibrahim, 2023) و (Parsakia, 2023) همخوانی دارد. همچنین در پژوهش (Mahdavi & Bakuyi, 2017) بین عزت نفس با تفکر انتقادی رابطه‌ای حاصل نشد که با نتایج این پژوهش مغایر است. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که تفکر انتقادی یک مهارت شناختی است و به‌عنوان توانایی حل مسائل شناخته شده است و در نتیجه با سلامت افراد ارتباط دوسویه‌ای دارد. اشخاصی که روی مسائل تمرکز می‌کنند و عمیقاً فکر می‌کنند، بهتر می‌توانند با موقعیت‌های گوناگون سازگار شوند. تفکر انتقادی شامل نگرش‌ها، دیدگاه‌ها، ویژگی‌های ذهنی و خصوصیات شخصیتی می‌باشد که بر روشی که شخص به یک موقعیت و مسئله‌ای نزدیک می‌شود، تأثیر می‌گذارد. از جمله‌ی این صفات شخصیتی افراد نیز می‌توان به عزت نفس اشاره کرد که نشان می‌دهد بین دو متغیر عزت نفس و تفکر انتقادی رابطه وجود دارد که نتایج پژوهش نیز این مورد را تأیید کرده است. به عبارتی میزان عزت نفس اشخاص بر تمامی سطوح زندگی آن‌ها، همانند نحوه‌ی تفکر، احساس و عمل تأثیر می‌گذارد.

نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین عزت نفس و نمره کلی سواد اطلاعاتی وجود دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های (Soleimani Far et al., 2018) و (Naveed & Shah, 2023) مبنی بر همبستگی مثبت و معنادار بین عزت نفس و سواد اطلاعاتی، همسو می‌باشد. نظر به توسعه‌ی سریع اطلاعات در دنیای امروزی و تسلط گسترده‌ی فناوری‌های نوین در تولید اطلاعات و نیز راه‌های دسترسی به اطلاعات، همچون شبکه‌های جهانی الکترونیکی و کتابخانه‌های الکترونیکی و نقش سواد اطلاعاتی در تجهیز معلمان به مهارت‌های مورد نیاز در تدریس و افزایش دانش و اطلاعات خود، ایجاد تفکر انتقادی و عزت نفس، توجه به این موارد بسیار مهم می‌باشد. عزت نفس اساساً منعکس‌کننده‌ی احساس یک فرد نسبت به خود است. عزت نفس نه تنها بر زندگی حرفه‌ای بلکه بر راه کلی افراد تأثیر می‌گذارد. به‌خصوص در حرفه‌هایی مانند تدریس و معلمی که در آن تخصص و اطمینان از خود بسیار مهم است، عزت نفس می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر شایستگی حرفه‌ای نیز تأثیر بگذارد و یکی از مواردی که می‌تواند به‌خوبی بر میزان عزت نفس بیفزاید که در این پژوهش تأکیدی بر آن شده است، سواد اطلاعاتی می‌باشد.

یافته‌های پژوهشی حاکی از این است که بین نمرات سواد اطلاعاتی با تفکر انتقادی رابطه نشان داده است. براین اساس همبستگی مثبت و معنی‌داری بین تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی وجود دارد. هر چه میزان سواد اطلاعاتی و ابعاد آن در معلمان بیشتر باشد، میزان تفکر انتقادی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های (Keshavarz, 2021)، (Mohammadi et al., 2019)، (Soleimani Far et al., 2017)، (Moradi et al., 2014)، (Goodsett & Schmillen, 2022) همسو می‌باشد. همچنین این یافته مغایر با نتیجه پژوهش (Naveed & Shah, 2023) است. نتایج نشان داد که با افزایش سواد اطلاعاتی معلمان، تفکر انتقادی آنان نیز افزایش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دسترسی معلمان به منابع درس اطلاعاتی، توانایی استفاده هدفمند از آن‌ها جهت توانمندسازی فردی به سبب ماهیت کار و ارتباط گسترده با منابع اطلاعاتی و تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، زمینه‌ی کسب مهارت‌های جدید و یادگیری مادام‌العمر را فراهم می‌کند. در نتیجه با افزایش میزان اطلاعات در معلمان، آن‌ها با هنر استدلال و منطق بیشتری آشنا می‌شوند. تفکر انتقادی تفکری است مستدل، منظم، هدفمند، اثرگذار منطقی و همچنین مبتنی بر پیامد که به روش‌های علمی به بررسی و تجزیه و تحلیل تمامی اطلاعات و نظرات در دسترس می‌پردازد که با توجه به نتایج می‌توان گفت که سواد اطلاعاتی بالا، وضعیت و ماهیت اطلاعات، دسترسی مؤثر به اطلاعات و توانایی ارزیابی نقادانه اطلاعات، کاربرد هدفمند از آن‌ها و درک موارد حقوقی و اقتصادی کاربرد اطلاعات، بستری را جهت بالا بردن تفکر انتقادی فراهم می‌کنند.

نتایج پژوهش نشان داد که سواد اطلاعاتی بین عزت نفس و تفکر انتقادی معلمان مقطع ابتدایی شهرستان جاسک نقش میانجی را ایفا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های (Ibrahim, 2023) و (Soleimani Far et al., 2017) همسو است. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت مهارت‌های سواد اطلاعاتی و یادگیری آن توسط معلمان به‌عنوان کلید یادگیری مادام‌العمر و همچنین بالا بردن عزت نفس مثبت در آنان نقش زیادی در بالا بردن تفکر انتقادی معلمان و افزایش مهارت‌های تفکر انتقادی دارد. احساس ارزشمند بودن، ویژگی‌های مثبت و خوب داشتن، توانایی انجام کارهای خود و حتی دیگران، نگرش مثبت نسبت به وجود خود و همچنین رضایت از خود، بستر و زمینه لازم را برای داشتن تفکر انتقادی فراهم می‌کند. از جمله ویژگی‌های بهنجار، برخورداری از همین عزت نفس مثبت می‌باشد. فرد دارای تفکر انتقادی بالا، نیازمند شخصیتی است که از روی هوشیاری کم کند، بر روی عقایدش پافشاری کرده و برای این قبیل ارزش‌ها، متعهد باشد. تفکر انتقادی نیز نیازمند پایه اطلاعاتی درست است و با تفکر انتقادی می‌توان اطلاعات را سازمان‌دهی، طبقه‌بندی، مقایسه و ارزشیابی نمود و زمینه را برای ارتقا،

افزایش و پیشرفت آن فراهم کرد. پس تنها داشتن اطلاعات نمی تواند کارساز و مفید باشد، بلکه تجزیه و تحلیل و نحوه کاربرد این اطلاعات نیز اهمیت دارد.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

۱. افزایش مهارت های سواد اطلاعاتی معلمان: با توجه به نتایج پژوهش که نشان داد سواد اطلاعاتی بر تفکر انتقادی تأثیرگذار است، پیشنهاد می شود دوره های آموزشی تخصصی برای معلمان برگزار شود تا مهارت های سواد اطلاعاتی آن ها تقویت گردد. این امر می تواند به بهبود کیفیت آموزشی و ارتقاء سطح تفکر انتقادی کمک کند.
۲. ترویج برنامه های تقویت عزت نفس در مدارس: بر اساس یافته ها، بین عزت نفس و تفکر انتقادی رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، طراحی و اجرای برنامه های تقویتی برای افزایش عزت نفس معلمان، از جمله کارگاه های روان شناختی و فعالیت های جمعی، می تواند به بهبود عملکرد آن ها در تفکر انتقادی و آموزش مؤثرتر کمک کند.
۳. ادغام سواد اطلاعاتی در برنامه های درسی: از آنجا که سواد اطلاعاتی نقش میانجی بین عزت نفس و تفکر انتقادی ایفا می کند، توصیه می شود که مفاهیم و مهارت های مرتبط با سواد اطلاعاتی به طور منسجم تری در برنامه های درسی گنجانده شود تا معلمان و دانش آموزان با این مهارت های کلیدی بهتر آشنا شوند و بتوانند از آن ها در فرآیند آموزش و یادگیری استفاده کنند.
۴. حمایت از معلمان در توسعه تفکر انتقادی: با توجه به رابطه قوی بین تفکر انتقادی و سواد اطلاعاتی، پیشنهاد می شود که معلمان با استفاده از منابع آموزشی و ابزارهای جدید دیجیتال به طور مستمر از حمایت نهادی برخوردار شوند تا بتوانند از سواد اطلاعاتی خود برای تقویت مهارت های تفکر انتقادی استفاده کنند.

نتیجه گیری

در پایان با توجه به یافته های تحقیق حاضر می توان نتیجه گیری کرد بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک رابطه معناداری وجود دارد.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم های پرسشنامه آگاهانه توسط تمامی آزمودنی ها تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از پایان نامه ی کارشناسی ارشد نویسنده اول با موضوع بررسی رابطه بین عزت نفس و تفکر انتقادی با توجه به نقش میانجی سواد اطلاعاتی در بین معلمان مقطع ابتدائی شهرستان جاسک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندر جاسک، استاد راهنما: محمدصادق حسینی، استاد مشاور: رامین تفضلی، دانشجو: عالیه برجعلی می باشد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abdolmaleki, J., & Asadi, F. (2023). *The role of dimensions of information literacy in teachers' job performance: A study in elementary schools*. The Second National Conference of Family and School Studies, Bandar Abbas. [In Persian]
- Ashrafian, M., Ashouri, M., & Amiri Khoshako, B. (2024). *Structural analysis of information-seeking behavior as a mediator between information literacy and teachers' self-efficacy*. The 1st National Conference on Psychology, Educational Sciences, and Counseling, Urmia. [In Persian]

Barkhordari, M., Jalal Manesh, Sh., & Mahmoudi, M. (2009). The relationship between critical thinking disposition and self esteem in third and fourth year bachelor nursing students. *Iranian Journal of Medical Education*, 9(1), 13-19. [In Persian]

Croucher, S. M., Li, M., Huang, Y., Pan, X., Yuan, G., & Kou, Y. (2023). Developing media and information literacy competencies: a case study in rural schools in Yunnan Province, China. *Journal of Applied Communication Research*, 51(1), 72-90.

Demirdag, S. (2019). Critical thinking as a predictor of self-Esteem of university students. *Alberta Journal of Educational Research*, 65(4), 305-319.

Frailon, J., Ainley, J., Schulz, W., Friedman, T., & Duckworth, D. (2020). *Preparing for life in a digital world: IEA international computer and information literacy study 2018 international report* (p. 297). Springer Nature.

Goodsett, M., & Schmillen, H. (2022). Fostering critical thinking in first-year students through information literacy instruction. *College & Research Libraries*, 83(1).

Hajian, N. (2023). *The relationship between critical thinking with self-directed learning and self-esteem among 11th and 12th grade female students in District 2 of Zahedan*. The 1st International Conference on Psychology, Social Sciences, Educational Sciences, and Philosophy, Babol. [In Persian]

Hashemian Nejad, F. (2011). Investigating the relationship between critical thinking and self-esteem in students of Azad University, Mashhad. *Educational Research Journal*, 6(27), 165-195. [In Persian]

Hassanpour, M., & Salehi, S. (2016). *The relationship between mental health and self-esteem with critical thinking among students*. International Conference on Research in Behavioral and Social Sciences, Turkey. [In Persian]

Ibrahim, K. (2023). How to moderate student evaluation apprehension and increase academic achievement in online assessment: An insight into the roles of critical thinking, self-esteem, and self-assessment. *Computer-Assisted Language Learning Electronic Journal*, 24(2).

Jafarian, S., & Saeedipour, B. (2013). Investigating the Profiles of Information Literacy, Critical Thinking and Academic Self-Esteem among Postgraduate Students Regarding their Academic Achievement. *The Quarterly Journal New Thoughts on Education*, 9(3), 49-67. [In Persian]

Jones-Jang, S. M., Mortensen, T., & Liu, J. (2021). Does media literacy help identification of fake news? Information literacy helps, but other literacies don't. *American behavioral scientist*, 65(2), 371-388.

Kafka, S., Hunter, J. A., Hayhurst, J., Boyes, M., Thomson, R. L., Clarke, H., ... & O'Brien, K. S. (2012). A 10-day developmental voyage: converging evidence from three studies showing that self-esteem may be elevated and maintained without negative outcomes. *Social Psychology of Education*, 15(4), 571-601.

Keshavarz, H. (2021). Entrepreneurial capabilities of librarians in university libraries: A cross-contextual study on the impact of information literacy. *Journal of Business & Finance Librarianship*, ۲۶(۳-۴), ۲۰۰-۲۲۲.

Li, L., & Heydarnejad, T. (2024). May I come in? A probe into the contributions of self-esteem, teacher support, and critical thinking to anxiety and shyness in language classes. *BMC Psychology*, ۱۲(۱), ۷.

Mahdavi, M., & Bakuyi, K. (2017). *The relationship between critical thinking, job satisfaction, and self-esteem of teachers*. The 5th National Conference on the Development and Promotion of Educational Sciences, Psychology, Advice and Education in Iran, Tehran. [In Persian]

Mohammadi, Z., Bigdeli, Z., & Shahni Yilagh, M. (2020). Designing and testing a causal model of information literacy and critical thinking with the mediation of academic self-efficacy in graduate students of Shahid Chamran University of Ahvaz. *The Journal of Library and Information Science Research (Educational and Psychological Studies)*, 9(2), 140-161. [In Persian]

Moradi, R., Aliabadi, K., Khazai, A., & Rasouli, B. (2014). Relationship between critical thinking and information literacy of medical sciences students. *Bimonthly of Education Strategies in Medical Sciences*, 7(3), 141-147. [In Persian]

Namaziandost, E., Heydarnejad, T., & Azizi, Z. (2023). To be a language learner or not to be? The interplay among academic resilience, critical thinking, academic emotion regulation, academic self-esteem, and academic demotivation. *Current Psychology*, 1-16.

Naveed, M. A., Shah, N. A. (2023). Information literacy in the legal workplace: Current state of lawyers' skills in pakistan. *Journal of Librarianship and Information Science*, 55(2), 334-347.

Parsakia, K. (2023). The effect of chatbots and ai on the self-Efficacy, self-Esteem, problem-solving and critical thinking of students. *Health Nexus*, 1(1), 71-76.

Riswanto, R. (2021). Learning-oriented assessment in the classroom: the contribution of self-assessment and critical thinking to efl learners' academic engagement and self-esteem. *Language Testing in Asia*

Soleimani Far, A., Shabani, F., Rezaei, Z., & Nikobakht, N. (2018). Disposition toward critical thinking, self-esteem, assertiveness, social anxiety and worry in students: A causal model. *Journal of Clinical Psychology and Personality*, 15(2), 155-166. [In Persian]

Thomaes, S., Poorthuis, A., & Nelemans, S. (2011). *Self-esteem*. in B. Brown & M. Prinstein (Eds.), *Encyclopedia of Adolescence*, 316-324.

Vasli, P., Mortazavi, Y., Aziznejadroshan, P., Esbakian, B., Ahangar, H. G., & Jafarpoor, H. (2023). Correlation between critical thinking dispositions and self-esteem in nursing students. *J Educ Health Promot*, 28(12), 144.

Zolnouri, H., & Heidari, S. (2023). *The impact of teaching philosophy to students on their critical thinking, creativity tendency, and self-esteem*. The 4th International Conference on New Approaches in Management, Psychology, and Humanities in the 21st Century, Tehran. [In Persian]